

واژگان درس چهارم کتاب زبان دهم - صفحه ۱

a set of	مجموعه ای از	comfortably	به راحتی	forget	فراموش کردن
activity	فعالیت	continent	قاره	four-season	چهار فصل
adverb	قید	contrastive stress	تکیه ی تقابلی	France	فرانسه
afternoon	بعد از ظهر	contrast	مقابله کردن	free time	اوقات فراغت
agent	کارگزار ، عامل	course	دوره ی تحصیلی	generous	بخشنده ، سخاوت مند
airport	فرودگاه	cruel	بی رحم ، ظالم	great	عالی ، بزرگ
ancient	قدیمی ، باستانی	culture	فرهنگ	guest	مهمان
around	حدود ، تقریباً	dad	پدر	historical	تاریخی
arrive	رسیدن	desert	بیابان	holiday	روز تعطیل
at the same time	به طور هم زمان	destination	مقصد	Holy Shrine	حَرَمِ مُطَهَّر
attract	جذب کردن	differently	به طور متفاوتی	honestly	صادقانه ، به راستی
attractive	جذاب	domestic	محلّی ، داخلی	hospitable	مهمان نواز
autumn	پاییز	drive	رانندگی کردن	host	میزبان
baggage	چمدان ، بارِ سفر	dry	خشک	illness	بیماری
be located	واقع شدن ، قرار گرفتن	education	آموزش	image	تصویر، پنداره
behavior	رفتار	educational	آموزشی	in	در ، بر
Beijing	پکن	Egypt	مصر	in front of	در جلوی
Beirut	بیروت	entertainment	سرگرمی ، تفریح	information	اطلاعات
bravely	شجاعانه	Europe	اروپا	international	بین المللی
Brazil	برزیل	evening	غروب ، عصر	Italy	ایتالیا
burning house	خانه ی در حال سوختن	exactly	دقیقاً	Japanese	ژاپنی
can	توانستن	experience	تجربه	Korean	کُره ای
ceremony	جشن ، مراسم	faculty	دانشکده، دانشگاه	little	کم ، کوچک
Chile	شیلی	fall	افتادن ، پاییز	local	محلّی ، بومی ، داخلی
choice	انتخاب ، گزینه	flight	پرواز	loud	صدا ی بلند
comfortable	راحت، آسوده	foreign	خارجی	loudly	با صدای بلند

واژگان درس چهارم کتاب زبان دهم - صفحه ۲

main	اصلی ، مهم	planning	برنامه ریزی	Spanish	اسپانیایی
manner	رُوش ، شیوه ، مَنَش	point	نکته	speed	سرعت
may	ممکن بودن	politely	مودبانه	sport	ورزش
meal	غذا ، وعده ی غذایی	popular	محبوب ، مشهور	spring	بهار
means of	وسیله ی	post office	اداره ی پست	station	ایستگاه
meet	ملاقات کردن	prefer	ترجیح دادن	suggestion	پیشنهاد
midday	نیم روز	prepare	آماده کردن	suitable	مناسب، شایسته
midnight	نیمه شب	preposition	حرف اضافه	sunrise	طلوع خورشید
ministry	وزارت	price	قیمت ، بها	sunset	غروب خورشید
modal	فعل کمکی ناقص	probably	احتمالاً	surf the net	گشت و گذار در شبکه
mostly	اکثراً ، عمدتاً	pyramid	هرم	tourism	گردشگری
Muslim	مسلمان	quiet	ساکت ، آرام	tourist attraction	جاذبه گردشگری
must	باید	range	محدوده ، حیطة ، طیف	tour	گشت ، سفر
neatly	به طور مرتب	respect	احترام کردن	town	شهرک
next to	نزدیک ، کنار	rest	استراحت	traditional	سنتی
nicely	به طور دلپذیری	risk	خطر	training	تربیت ، آموزش
noon	ظُهر	rudely	بی ادبانه	transportation	حمل و نقل
on	روی ، بر ، در	rule	قانون ، دستور	traveler	مسافر
organization	سازمان	seem	به نظر رسیدن	vacation	تعطیلی ، مرخصی
Pakistan	پاکستان	should	بہتر بودن	vegetable	سبزی، گیاه
paradise	بهشت، فردوس	similar	مشابه ، یکسان	visa	روادید
passport	گذرنامه	site	مکان ، جا	wake up	بیدار شدن
patiently	صبورانه	soon	به زودی	wide	غریض ، وسیع ، گسترده
Peru	پرو	South America	آمریکای جنوبی	wind tower	برج بادی (بادگیر)
phrasal	مربوط به عبارت	souvenir	سوغاتی ، کادو	winter	زمستان
pilgrim	زائر	Spain	اسپانیا		